

بررسی جامعه شناسانه عکاسی اجتماعی پس از انقلاب

نقیسه نجفی^۱ * علی شیخ مهدی^۲^۱ (دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس) Nnajafi_designer@yahoo.com^۲ (هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس) alisheikhmehdi@yahoo.com

چکیده

عکاسی مستند اجتماعی یکی از شاخه های عکاسی خبری می باشد که به گزارش و تحلیل وقایع اجتماعی از دید دوربین می پردازد. بررسی کامل و همه جانبه عکاسی اجتماعی در ایران مساله ای است که تاکنون به آن پرداخته نشده است و کمبود آن به چشم می خورد. از آنجا که این شاخه عکاسی ابزار هنری قدرتمندی در راستای گسترش دموکراسی و شناسایی و رفع مشکلات جامعه بوده و نیز منبعی مناسب برای بررسی های اجتماعی به شمار می رود، جای خالی پژوهش های عمیق در این زمینه به شدت احساس می شود. هدف از این پژوهش جبران این کمبود و تبیین ماهیت عکاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران از منظر جامعه شناسی می باشد. در این پژوهش محقق به عنوان یک جامعه شناس هنر، جریان های عکاسی اجتماعی را از منظر جامعه شناسی بررسی کرده است. فرضیه این پژوهش این است که رشد عکاسی اجتماعی به رشد عدالت اجتماعی کمک کرده و این شاخه عکاسی می تواند تریبون برای اقشار مختلف جامعه باشد و به رشد جامعه ای چندصدایی و دموکراتیک کمک نماید. به خصوص که رشد شبکه های مجازی ای چون تلگرام، اینستاگرام و... زمینه ای جدید برای دیده شدن بیشتر کارهای عکاسان مطرح و رشد هنر عکاسی در میان قشرهای مختلف جامعه را فراهم نموده است. سوال اصلی این پژوهش این است که انقلاب و وقایع و اوج و فرودهای حکومت جمهوری اسلامی چه تاثیری بر این شاخه از عکاسی داشته است و این هنر بعد از انقلاب چه روندی را طی کرده و در چه وضعیتی قرار دارد؟ این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است. چهارچوب نظری این پژوهش نظریه چندصدایی باختین می باشد.

کلیدواژه ها:

عکاسی انقلاب، رویکردهای عکاسی مستند اجتماعی، بررسی جامعه شناسانه

مقدمه

در طول حیات هنر عکاسی رویکردهای گوناگونی در این رشته به وجود آمد. عکاسی مستند نیز یکی از شاخه های مطرح عکاسی است که در طول زمان بالیده است و زیرمجموعه هایی را به خود اختصاص داده است که یکی از آنها عکاسی مستند اجتماعی می باشد. در این گرایش از هنر عکاسی، هنرمندان تلاش می کنند با نگاه تیزبین خود جوامع مختلف را بررسی کنند و نقاط قوت و ضعف آن را به تصویر بکشند. این شاخه تخصصی عکاسی پیوند عمیقی با جامعه شناسی، سیاست و وضعیت اقتصادی و فرهنگی دارد و گونه ای بازخوانی و تفسیر از شرایط حاکم هر اجتماع به شمار می آید و مشابه آینه ای زندگی جامعه را بازتاب می نماید. هنر عکاسی از آخرین هنرهای بوده است که در جهان شکل گرفته، اما بدلیل تاثیر گذاریش در حوزه های گوناگون بخصوص حوزه اجتماعی توانسته امروز یکی از فراگیرترین هنرها باشد. (لنگفورد، ۲۰۰۵: ۱۵)

عکاسی را چشم مدرنیته می خوانند و می توان گفت عکاسی چشم مدرنیته ایرانی است. (مهاجر، ۱۳۸۵: ۱۰۴). حوادث دوران انقلاب و پس از آن همواره در معرض توجه این چشم بوده است و از زاویه دید آن ثبت شده است. (جابری مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳)، در این مقاله به بررسی تغییرات این نگاه و نوع تغییرات آن در دوران پس از انقلاب ایران در سی و دو سال اخیر پرداخته شده است.

در این پژوهش ابتدا به بیان چارچوب نظری پرداخته می شود تا رویکرد بررسی مساله پژوهش روشن شود. سپس به معرفی عکاسی مستند اجتماعی و ویژگی های آن پرداخته می شود. در بخش سوم مقاله به بررسی افت و خیزهای هنر عکاسی در کشاکش انقلاب و سال های پس از انقلاب اسلامی پرداخته می شود و در چهارمین بخش مقاله به بررسی جریان عکاسی اجتماعی در سال های پس از انقلاب پرداخته می شود. در آخرین بخش نیز به جمع بندی و نتیجه گیری مطالب پرداخته می شود.

چهارچوب نظری

باختین از بزرگ ترین نظریه پردازان ادبیات قرن بیستم است. به نظر باختین، گفتگو بنیاد سخن است و سخن در گفتگو است که معنا دار می شود. منطق مکالمه گوهر اصلی اندیشه ی باختین در زمینه ی